

بسم الله الرحمن الرحيم
طرح مطالعاتی چشمه
خلاصه مقررری هشتم کتاب «بررسی»

❖ فصل سوم: طبقات اجتماعی

❖ صفحات: ۷۷-۸۲

✓ در فلسفه ی علمی تاریخ:

جامعه انسانی براساس رابطه با ابزار تولید به دو دسته ی زیر تقسیم می شود:

طبقه ی مالک ابزار «استثمارکننده» که هیچ کاری نمی کند!

و طبقه ی فاقد ابزار «استثمار شده» که تمام بارها بر عهده ی اوست،

و سایر طبقات (طبقه حاکم و دولت- طبقه مذهبی- طبقه روشنفکر پیشرو - و طبقه دانشمندان و متخصصان) که انشعابی از دو طبقه ی بالا می باشند.

✓ اما همانطور که توضیح دادیم؛

انسان در رابطه با ابزار توجیه نمی شود و تاریخ مندی او، در رابطه با کل نظام و سنت های حاکم بر طبیعت و خودش است. تقسیم بندی جامعه ی انسانی براساس رابطه ی انسان آزاد با نظام محتوم و سنت ثابت و حاکم بر تمام هستی شکل می گیرد.

✓ در سوره حمد و بقره این تقسیم بندی کاملاً مشخص است:

ناس: تمامی مردم. مقسم و مورد تمامی تقسیمات:

الف) متقی: در رابطه با نظام حاکم بر جهان هماهنگ است و در صراط. شخصیتِ شکل دار و دارای ریشه. مفلح و از بندها رسته «روئیده و رستگار». - علامت ها: ایمان، تسلیم، یقین. متقی، نقش ثابت دارد و این نقش، تعیین کننده ی شغل و کار اوست و دیگر اسیر شغل و پست ها نیست.

ب) کافر: در رابطه با نظام حاکم بر جهان، سرکش و چشم پوش و مغضوب است. شخصیتِ شکل دار؛ اما بی ریشه و خشکیده. سرسخت و متحجر، چشم و گوش و دل بسته (نه می دهد و نه می گیرد!). - در این راه پر پیچ و خم و باریک و همراه این همه نظام و دستور، ناچار درگیر می شود و می سوزد و رنج می برد.

ج) منافق: بی شخصیت و مذبذب و ضال. نه شخصیت و نه شکل و نه ریشه. چشم و گوش و زبان بسته و طعمه ی کافر یا متقی (نردبان پیروزی شکل گرفته ها).

✓ توجه:

ریشه ی متقی، بینش و فهم اوست. شناخت اوست. شناختی که در او احساس و عشق آفریده. عشق به غیب و دستورها و ادامه ی انسان و امتداد خویش.

و آنچه باعث می شود تا کافر و منافق چشم خود را ببندند و ریشه ی خود را بخشکانند، گاهی ثروت است، گاهی قدرت و گاهی لذت. خود این دسته گروه هایی خواهند داشت از ملاء و طاغوت و مترف.

✓ این بینش و این رابطه با کل نظام است که بر روابط تولیدی جامعه هم اثر می گذارد و نظام اجتماعی را پیش می برد یا نگه می دارد و به مرگ و نابودی و استبدال (بدل آوردن و عوض کردن) می کشاند.

✓ جامعه ای که با بینش تقوا و هماهنگ با نظام نباشد، ناچار جامعه ی استثماري است. این جامعه ی ستمگر دوام نمی آورد و از بین می رود. آمد و رفت امت ها در تاریخ هم در رابطه با این بینش و برخورد است.

✓ جامعه ای که از نظام چشم پوشیده و بر الله و کتاب که روشنگر و نمایانگر این نظام هستند، شوریده، ناچار با تمام تیپ های طاغوت و مترف و ملاء و فاسق و ظالم و... از روابطی برخوردار می شوند که روابط سالم و هماهنگ نیست و درگیری خواهد داشت و به نابودی خواهد انجامید.

✓ آمد و رفت ملت ها در رابطه با همان دعوتی است که ترجیع بند تمامی سوره است: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا». سرکشی بر همین تقوا و اطاعت است که به نابودی می کشاند و جامعه را از درون پوک می کند.

✓ در قرآن ۳ اجل و مدت مطرح است: در جهان، در جامعه و در انسان. این ۳ اجل و مدت در رابطه با یکدیگر کم و زیاد می شوند و اجل مسمی و محتوم و معلق را توضیح می دهند.